

## نقدی بر تصحیح اشعار عربی تاریخنامه هرات سیفی هروی از غلامرضا طباطبایی مجد (ضرورت تصحیح دوباره کتاب)

سیامک سعادت\*  
غلام عباس رضایی هفتادری

دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه تهران

### چکیده

تاریخنامه هرات نزدیک سیصد بیت عربی دارد و در سال ۱۳۸۳ غلامرضا طباطبایی مجد این کتاب را بار دیگر تصحیح کرده است. تصحیح او از این ابیات عربی در موارد بسیاری ناقص و اشتباه است. در این مقاله این اشتباهات به پنج گروه خطاهای اعرابی، اشتباه در انتساب اشعار به گویندگان، خطاهای شکلی، اشکالات حرف روی، خطاهای ضبط درست کلمات تقسیم، و با روش تحلیلی و توصیفی، ابیاتی که ذیل هر گروه قرار می‌گیرد با مراجعه به دیوان شاعران و کتابهای مرجع نقد و بررسی شده است و فرهنگهای فارسی و عربی نشان داده شده که چگونه در هر کدام از این موارد، مصحح به خطا رفته و سرچشمه این خطا چه بوده است. خطاهای اعرابی مصحح اغلب حاصل تشخیص ندادن نقش نحوی واژگان و عبارات، تشخیص ندادن زمان، ریشه و صیغه افعال، و خطاهای شکلی و حرف روی او ناشی از دقت نکردن در وزن شعر و قواعد قافیه و خطاهای اشتباه در انتساب اشعار به گویندگان، ناشی از مراجعه نکردن به دیوان شاعر، کتابهای مرجع و فرهنگهای معتبر است. هر بیت عربی از منبع اصلی آن در دیوان شاعر یا از کتابهای مرجع نقل شده، و تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد از آن آورده و پس از نقد و بررسی تصحیح او و نشان دادن خطاها و اشکالاتش، ترجمه پیشنهادی از بیت ارائه شده است.

**کلیدواژه‌ها:** تصحیح تاریخنامه هرات، اشعار عربی تاریخنامه هرات، غلامرضا طباطبایی مجد، تصحیح متون ادبی کلاسیک

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۶/۲۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۲/۲۱

\* دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران نویسنده مسئول: s\_saadat@ut.ac.ir

## مقدمه

سیف بن محمد بن یعقوب هروی ملقب به سیفی هروی در سال ۶۸۱ هجری قمری در هرات به دنیا آمد. تحصیلاتش را در هرات پیش گرفت و در ادبیات فارسی و عربی تبحر یافت (صفا: ۱۳۶۹: ۱۲۴۱/۳). وی به کمک استادش، حکیم سعدالدین منجم غوری به دربار فخرالدین کُرت، حاکم هرات (۶۴۸-۷۰۶ ه.ق) راه یافت و قصاید و قطعات بسیاری در مدح او سرود (اسفزاری: ۱۳۳۹: ۴۶۱/۱).

آثار وی عبارت است از: ۱. «مثنوی سامنامه» در بیش از بیست هزار بیت به سبک شاهنامه فردوسی در شرح دلاوریهای جمالالدین محمد سام، سردار فخرالدین کُرت. ۲. «مجموعه غیاثی» در علم اخلاق که آن را به نام غیاثالدین کُرت موشح ساخته است. ۳. «تاریخنامه هرات»: سیفی هروی از غیاثالدین کُرت (۷۰۶-۷۲۵ ه.ق) جانشین فخرالدین، فرمان یافت کتابی در تاریخ شهر هرات از زمان چنگیز خان مغول و خرابی شهر و به قتل رسیدن ساکنان آن در ۶۱۸ ه.ق تا عصر خویش بنویسد (همان: ۸/۱-۳).

تاریخنامه هرات به این سبب که درباره حوادث زمان مؤلف بوده و به اطلاعات شخصی یا گزارش راویان و شاهدان عینی مستند است (همان: ۳۸۰/۱) و نیز به دلیل برخی تفصیل منحصر به فرد، سند گرانبهایی از تاریخ هرات در سده هفتم و اوایل سده هشتم و دوران فرمانروایی آل کُرت به شمار می‌رود. سیفی هروی در تاریخ‌نگاری، وقایع را پیوسته و به تفصیل شرح داده و درخور گنجایش کتاب، علل حوادث را بیان کرده است. وی به گفته خودش به انگیزه حقیقت‌جویی به این مهم دست زده و از این رو شخصیت‌های تاریخی و روایات مورخان را نقد و بررسی کرده است (سیفی هروی: ۱۳۸۳: ۵۲).

تاریخنامه هرات از جنبه ادبی نیز شایان توجه است. نثر سیفی شیوا و روان است و گاه با قصاید و قطعاتی از خود وی آمیخته. او به مناسبت مقام به آیات قرآن، احادیث، اشعار فارسی و عربی استشهاد کرده است. افزون بر این، تاریخنامه هرات به دلیل اشمال بر یادکرد یا شرح حال برخی از شعرا و علما و اولیا درخور توجه است (اسفزاری: ۱۳۳۹: ۷/۱).

سیفی هروی درباره وقایع پیش از دوره خود از منابعی استفاده کرده است که اکنون در دست نیست؛ از جمله از تاریخنامه هرات (تاریخ هرات) تألیف ابونصر عبدالرحمان

\_\_\_\_\_ نقدی بر تصحیح اشعار عربی تاریخنامه هرات سیفی هروی از غلامرضا طباطبایی مجد

بن عبدالجبار فامی، بویژه از مطالب آن درباره هرات پیش از اسلام (سیفی هروی: ۱۳۵۲: ۲۵) و نیز از مثنوی تاریخی کرتنامه «خطیب فوشنجی/ بوشنجی» معروف به ربیعی که به سبک شاهنامه فردوسی در شرح وقایع دوران فرمانروایی خاندان کرت در هرات تا ۷۰۲ ه.ق بوده است (اسفزاری: ۱۳۳۹: ۳۹۱/۱).

این کتاب نخستین بار در ۱۳۲۲ش/ ۱۹۴۳م از روی نسخه کتابخانه شاهنشاهی بوهار کلکته به کوشش «محمد زبیر صدیقی» در کلکته به چاپ رسیده و در سال ۱۳۸۳ غلامرضا طباطبایی مجد این کتاب را بار دیگر تصحیح کرده است.

### پیشینه پژوهش

تاکنون اثر مستقلی که به نقد اشعار عربی تاریخنامه هرات پردازد، نگاشته نشده و این نوشتار نخستین کوششی است که به این مهم پرداخته است.

### بحث و بررسی

#### ۱. خطاهای اعرابی

این اشکالات به نقش واژگان و جملات مربوط است؛ گاهی عدم دقت کافی در نقش نحوی یک حرف یا ضمیر، ترجمه را با خطا روبه‌رو می‌سازد.

۱-۱ لَهَا بَيْتٌ رَفِيعٌ السَّمَكِ ضَخْمٌ      بِهِ تُزْهَى إِذَا انْتَسَبَتْ أَبَاهَا

نقد و بررسی: در ص ۶۶ در مصراع اول این بیت از «ابیوردی» واژه «رَفِيعٌ» تنوین گرفته که اشتباه است؛ زیرا مضاف تنوین نمی‌گیرد.

ترجمه پیشنهادی: سرای وی، ستبر و بزرگ، و سقفش افراشته است؛ سرایی که هرگاه به پدرش (صاحبش) منتسب گردد به آن می‌نازد.

۱-۲ هَذَا ابْنُ فَخْرٍ عَبِيدِ اللَّهِ كُلِّهِمْ      هَذَا السَّخِيُّ الْوَفِيُّ الْقَاتِلُ الْبَطْلُ

نقد و بررسی: در ص ۳۰۷، واژه «ابْن» در این بیت از «جمال الاسلام» مجرور شده؛ درحالی که خبر است و باید مرفوع باشد.

ترجمه پیشنهادی: این پسر مایه مباهات همه بندگان خداست. وی بخشنده، وفا کننده، گشنده و دلاور است.

۱-۳ فَلَا زَالَ يَرَعَاكَ إِلَاهُهُ بِفَضْلِهِ      وَيَحْمِيكَ مَنْ رَبِّبَ الزَّمَانَ وَيَحْرُسُ

نقد و بررسی: در ص ۱۹۷ در مصراع دوم این بیت از «رشید وطواط» واژه «رَبِّبَ» پس

از حرف جر، منصوب شده است.

ترجمه پیشنهادی: خداوند همواره با فضلش تو را در پناه خویش نگاه دارد و در برابر حوادث روزگار، تو را حمایت، و حفظ کند.

۱-۴ يَشُقُّ إِذَا أَبْدَى نَوَاجِذَهُ الْوَعَى سُوَيْدَاءَ قَلْبِ الْقَرْنِ وَالْقَرْنُ دَارِعٌ  
نقد و بررسی: در ص ۲۰۰، در مصراع دوم این بیت از «رشد و طوطا» واژه «قلب» منصوب شده، درحالی که مضاف الیه است و باید مجرور باشد.  
ترجمه پیشنهادی: هنگامی که جنگ، دندانهای خویش را آشکار کند، میان دل جنگجوی زره دار را می شکافد.

۱-۵ يَا كَامِلُ الْآدَابِ مُتَفَرِّدَ الْعُلَا وَالْمَكْرُمَاتِ وَيَا كَثِيرُ الْحَاسِدِ  
نقد و بررسی: در ص ۲۸۷ در این بیت از «کشاجم» واژه های «کامل» و «کثیر» مرفوع آمده که بی گمان اشتباه است؛ زیرا منادای مضاف منصوب است. «المکرمات» هم به صورت «المکرمات» آمده که خطاست؛ زیرا به این صورت، وزن شعر به هم می ریزد.  
ترجمه پیشنهادی: ای کسی که آداب را به کمال می رسانی! و ای کسی که در برتریها و بزرگواریها، یگانه ای و ای کسی که بدخواهانت بسیارند!

۱-۶ قَوْمٌ بَلُوغُ الْغُلَامِ عِنْدَهُمْ طَعْنٌ نُحُورِ الْكُمَاهِ لَا الْحُلْمِ  
نقد و بررسی: در ص ۸۹ در مصراع اول بیت از «متنبی» واژه «بلوغ» تنوین گرفته که اشتباه است؛ زیرا مضاف تنوین نمی گیرد.

ترجمه پیشنهادی: آنان قومی هستند که بلوغ را محتمل شدن نمی دانند؛ بلکه بلوغ از نظر آنان، این است که نوجوان نیزه اش را در سینه دشمنان فرو کند. (آماده جنگیدن باشد).  
۱-۷ يَا شَمْسُ دِينَ اللَّهِ يَا مَنْ عَزَمَهُ فِي قَمْعِ أَرْبَابِ الضَّلَالِ حَسَامٌ  
نقد و بررسی: در ص ۳۹۳، واژه «شمس» در این بیت از «رشد و طوطا» مجرور آمده؛ درحالی که منادای مضاف است و باید منصوب باشد.

ترجمه پیشنهادی: ای آفتاب دین خدا! ای کسی که اراده اش در سرکوب پیشوایان گمراهی، چون شمشیر است.

۱-۸ لَقَدْ جَاءَنِي بَعْدَ اِشْتِيَاقِي كِتَابُكُمْ سَجَدْتُ سَرِيعاً حِينَ أَبْصَرْتُهُ شُكْرًا  
نقد و بررسی: در ص ۴۱۲ واژه «بعد» در این بیت، مجرور آمده؛ درحالی که مفعول فیه است و باید منصوب باشد.

\_\_\_\_\_ نقدی بر تصحیح اشعار عربی تاریخنامه هرات سیفی هروی از غلامرضا طباطبایی مجد

ترجمه پیشنهادی: پس از آرزومندیم، نامه شما رسید؛ هنگامی که آن را دیدم، شتابان سجده شکر به جای آوردم.

۹-۱ هُوَ الْمَلِكُ الْمَنْصُورُ فِي كُلِّ مَأْزِقٍ لَهُ النَّصْرُ مَمْلُوكُ آلَا عَنْهُ طَائِعٌ  
نقد و بررسی: در ص ۱۵، واژه «الْمَنْصُور» در مصراع اول بیت زیر از «رشید وطواط» مجرور آمده؛ درحالی که صفت است و باید در اعراب از موصوف خود پیروی کند. واژه «مَمْلُوك» نیز بدون تنوین آمده، درحالی که خبر است و باید تنوین بگیرد. «عَنْهُ» نیز به صورت ناخوانایی ثبت شده است.

ترجمه پیشنهادی: وی پادشاهی است که در هر نبرد و تنگنایی، پیروز است. یاری فرمانبردار اوست؛ هان! از او اطاعت می‌کند.

۱۰-۱ يَوْمًا يَوْمَ شَرَابٍ وَسَمَاعٍ وَكَبَابٍ وَقِيَانٍ وَقَنَانٍ وَأَغَانِي وَتَصَابِي  
نقد و بررسی: در ص ۵۰۷، در این بیت از «فیاض هروی» واژه «يَوْم» منصوب شده؛ درحالی که مبتداست و باید مرفوع باشد. واژه‌های «سَمَاع» و «قَنَان» نیز بدون تنوین آمده است که خطاست.

ترجمه پیشنهادی: روزِ ما، روزِ میگساری، سماع، کبابخوری، خنیاگران، صراحیها، سرودها و عشق‌بازیهاست.

۱۱-۱ قَضَى الدَّهْرُ بِالتَّفْرِيقِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَيَا لَيْتَ شِعْرِي مَا الْقَضَاءُ يُرِيدُ  
نقد و بررسی: در ص ۵۶۵، واژه «بِالتَّفْرِيقِ» در مصراع اول بیت، منصوب شده؛ درحالی که مجرور به حرف جر است و باید مجرور باشد.

ترجمه پیشنهادی: روزگار میان ما به جدایی حکم کرد و ای کاش می‌دانستم قضا، چه چیزی را می‌خواهد.

۱۲-۱ وَعَيْنُ الرُّضَا عَنْ كُلِّ عَيْبٍ كَلِيلَةٌ وَلَكِنَّ عَيْنَ السُّخْطِ تُبْدِي الْمَسَاوِيَا  
نقد و بررسی: در ص ۵۹۷ واژه «عَيْن» در این بیت از «امام شافعی» مجرور شده؛ درحالی که مبتداست و باید مرفوع باشد.

ترجمه پیشنهادی: دیده خرسندی، هیچ عیبی را نمی‌بیند؛ درحالی که دیده خشم، بدیها را آشکار می‌کند.

۱۳-۱ مَلِكٌ مَمْلُوكٌ الْأَرْضِ شَرْقًا وَمَغْرِبًا عَزَائِمُهُ أَزْرَتْ بِزَهْرِ الْكُؤَاكِبِ  
نقد و بررسی: در ص ۶۲۶ واژه «مَمْلُوك» در این بیت از «رشید وطواط» منصوب شده؛ درحالی که مضاف‌الیه است و باید مجرور باشد.

ترجمه پیشنهادی: وی پادشاه پادشاهان روزگار است؛ اراده‌هایش، روشنایی ستارگان را نیز خوار کرده است.

۱-۱۴ بِجَيْشٍ جَاشَ بِالْفُرْسَانِ حَتَّى ظَنَنْتَ الْبِرَّ بَحْرًا مِنْ سِلَاحٍ

نقد و بررسی: در ص ۶۴۹ واژه «البر» در این بیت از «ابوفراس حمدانی» مجرور شده؛ درحالی که مفعول به فعل «ظننت» است و باید منصوب باشد.

ترجمه پیشنهادی: با لشکری که از سواران موج می‌زد تا جایی که بیابان را از فراوانی سلاح، دریا می‌پنداشتی.

۱-۱۵ إِنْ أَثَارُنَا تَدُلُّ عَلَيْنَا فَانْظُرُوا بَعْدَنَا إِلَى الْأَثَارِ

نقد و بررسی: در ص ۷۴۵ واژه «آثار» در این بیت مجرور شده است؛ درحالی که اسم «إِنَّ» باید منصوب باشد.

ترجمه پیشنهادی: بی‌گمان، نشانه‌هایمان، ما را می‌نمایاند؛ بنابراین پس از ما به نشانه‌ها بنگرید. (تا به سوی ما راه یابید).

## ۲. اشتباه در انتساب اشعار به گویندگانشان

متأسفانه غلامرضا طباطبایی مجد در تصحیح تاریخنامه هرات، در موارد متعددی به دیوان شاعران و کتابهای مرجع مراجعه نکرده و همین امر سبب شده است در انتساب ابیات به شاعران به خطا رود.

۲-۱ سَلَامٌ كَمَا مَرَّ النَّسِيمُ بِسُحْرَةٍ رُخَاءٌ عَلَى الْأَزْهَارِ غَبَّ عَهَادِ

نقد و بررسی: در ص ۴۸ این بیت به ابوالعلاء المعری نسبت داده شده است؛ درحالی که این بیت در دیوان وی نیست.

ترجمه پیشنهادی: درودی روحبخش، چنانکه نسیم سحرگاهی به آرامی بر شکوفه‌ها در روزی بگذرد که باران بهاری باریده است.

جالب توجه این است که در چهار سطر بعد، بیتی وارد شده است که گوینده‌اش مشخص نیست. (برخلاف عادت معمول این کتاب) و آن بیت از ابوالعلاء المعری است:

عَنْ فَضْلِهِ نَطَقَ الْكِتَابُ وَبَشَّرَتْ بِقُدُومِهِ الثُّورَاءُ وَالْإِنْجِيلُ

(ابوالعلاء المعری: ۱۳۷۶: ۱۴۱)

\_\_\_\_\_ نقدی بر تصحیح اشعار عربی تاریخنامه هرات سیفی هروی از غلامرضا طباطبایی مجد

ترجمه پیشنهادی: قرآن کریم به فضیلت پیامبر (ص) گویاست و «تورات» و «انجیل» به آمدنش بشارت داده‌اند.

۲-۲ تَلَقَى بِكُلِّ بَلَادٍ إِنْ حَلَّتْ بِهَا أَهْلًا بِأَهْلٍ وَجِيرَانًا بِجِيرَانٍ  
نقد و بررسی: در ص ۱۲۱ این بیت از «متوکل عیاض» دانسته شده؛ درحالی که از مسلم بن الولید الانصاری ملقب به صریح الغوانی (بی تا: ۱۴۰) شاعر قرن سوم هجری است. ترجمه پیشنهادی: در هر شهری که فرود آیی به جای اهل و کسان خویش، اهلی دیگر و به جای همسایگان خویش، همسایگانی دیگر می‌بینی.

۲-۳ أَلَسَيْفٌ وَالْخَنْجَرُ رِيحَانُنَا أَفَّ عَلَى النَّرْجِسِ وَالْأَسَى  
شَرَابُنَا مِنْ دَمِ أَعْدَانَا وَكَأْسُنَا جُمُجْمَةُ الرَّأْسِ

نقد و بررسی: در ص ۱۸۱ دو بیت به امام علی (ع) نسبت داده شده است. علاوه بر اینکه این ابیات در دیوان منتسب به امام علی علیه السلام نیست، مضمون ابیات نشان می‌دهد چنین ابیاتی هرگز نمی‌تواند از امام علی علیه السلام باشد.

ترجمه پیشنهادی: شمشیر و خنجر، ریحان ماست. اف بر نرجس و مورد. شرابمان، خون دشمنانمان است و جاممان، کاسه سرهایشان.

۲-۴ حَتَّى تَكُونَ لَنَا الدُّنْيَا بِأَجْمَعِهَا مَحْمِيَّةً بَيْنَ مَوْرُوثٍ وَ مُكْتَسَبٍ  
نقد و بررسی: در ص ۲۰۱ این بیت به امام علی علیه السلام نسبت داده شده است. علاوه بر اینکه این بیت در دیوان منتسب به امام علی علیه السلام نیست، مصحح «مُكْتَسَبٍ» را «مُكْتَسَب» آورده که خطاست.

ترجمه پیشنهادی: تا اینکه تمامی دنیا، میان به ارث گذاشته شده و به دست آمده برای ما نگاه داشته شود.

۲-۵ وَفِي الْإِثْنَيْنِ إِنْ سَافَرْتَ فِيهِ سَلِمْتَ مِنَ الْمَكَارِهِ وَالْعَبَاءِ  
نقد و بررسی: در ص ۲۰۶ این بیت منتسب به امام علی (ع) است. به رغم اینکه این بیت در دیوان منسوب به امام علی (ع) نیست، واژه‌های «الْإِثْنَيْنِ» و «سَلِمْتَ» به صورت «الْأَثْنَيْنِ» و «سَلِمْتَ» شکل گذاری شده که خطاست.

ترجمه پیشنهادی: چون در روز دوشنبه سفر کنی از ناخوشیها و رنج در امان می‌مانی.

۲-۶ وَمَنْ رَعَى غَمًّا فِي أَرْضٍ مَسْبُوعَةٍ وَنَامَ عَنْهَا تَوَلَّى رَعِيهَا الْأَسَدُ  
نقد و بررسی: در ص ۲۴۲ این بیت از «ابومسلم» وارد شده؛ درحالی که بیت از ابن الرومی (۱۴۲۳: ۴۹۹/۱) است.

ترجمه پیشنهادی: هرکس گوسفندی را در زمینی ددناک چراند و از آن غافل گردد، شیر، چرای آن را بر عهده گیرد. (شکار شیر خواهد شد).

۷-۲ لَكَ الْحَمْدُ يَا ذَا الْجُودِ وَالْمَجْدِ وَالْعُلَا تَبَارَكَتْ تُعْطَى مَنْ تَشَاءُ وَتَمْنَعُ

نقد و بررسی: در ص ۲۵۷ این بیت وارد شده است که گوینده اش مشخص نیست. این بیت منسوب به امام علی علیه السلام (۱۴۲۶: ۱۰۴) است.

ترجمه پیشنهادی: خداوند! ای صاحب جود و شکوه و بزرگی! ستایش از آن توست. خیر و برکات تو دائمی و مستمر است؛ به هرکه بخواهی، می‌بخشی و به هر کس نخواهی، نمی‌بخشی.

۸-۲ آه مِنْ سَفَرَةٍ بَغِيرِ إِيَابٍ آه مِنْ حَسْرَةٍ عَلَى الْأَرْبَابِ

(جرفادقانی: ۱۳۵۷: ۴۰۲)

نقد و بررسی: در ص ۲۷۰ این بیت بدون ذکر نام گوینده، وارد شده است. بیت از «عُتْبِي» است.

ترجمه پیشنهادی: آه از سفری بی‌بازگشت و آه از پشیمانی بر خداوند (ان نعمت)!

۹-۲ أَدْرَكْتُ بِالْحَزْمِ وَالتَّابِيرِ مَا عَجَزْتُ عَنْهُ مُلُوكُ بَنِي مَرْوَانَ إِذْ حَسَدُوا مَا زِلْتُ أَسْعَى عَلَيْهِمْ فِي دِيَارِهِمْ وَالْقَوْمُ فِي غَفْلَةٍ بِالشَّامِ قَدْ رَقَدُوا

نقد و بررسی: در ص ۲۷۱ این دو بیت به «ابومسلم» نسبت داده شده؛ درحالی که از ابن الرومی (۱۴۲۳: ۴۹۸/۱) است.

ترجمه پیشنهادی: آنچه را «مروانیان» با اجتماع خویش به دست نیاوردند با دوراندیشی خویش به دست آوردم. همواره در سرزمینشان بر آنان فرمانروایی می‌کردم درحالی که آن گروه در سرزمین «شام» در خواب غفلت بودند.

۱۰-۲ يَا كَامِلَ الْأَدَابِ مُتَفَرِّدَ الْعُلَا وَالْمَكْرُمَاتِ وَيَا كَثِيرَ الْحَاسِدِ

نقد و بررسی: در ص ۲۸۷ این بیت از «ابوالفتح» وارد شده؛ درحالی که از کشاجم (۱۳۹۰: ۱۱۲) است.

ترجمه پیشنهادی: ای آن که آداب کامل است و در بزرگیها یگانه‌ای و ای کسی که حسودانت بسیارند!



نقدی بر تصحیح اشعار عربی تاریخنامه هرات سیفی هروی از غلامرضا طباطبایی مجد

۱۱-۲ لَيْسَ الْفَنَاءُ بِمَأْمُونٍ عَلَى أَحَدٍ      وَكَأِ الْبَقَاءِ بِمَقْصُورٍ عَلَى رَجُلٍ  
مَا يُدْفَعُ الْمَوْتُ عَنْ بُخْلٍ وَكَأِ كَرَمٍ      وَكَأِ جَبَانٍ وَكَأِ غَمَرٍ وَكَأِ بَطْلٍ  
وَالْعَيْشُ يُؤْذِنُنَا بِالْمَوْتِ أَوَّلَهُ      وَنَحْنُ نَرْغَبُ فِي الْأَيَّامِ وَالِدُولِ

در ص ۳۱۰ سه بیت با عنوان «لَا أَدْرِي قَائِلُهُ» وارد شده؛ درحالی که از شریف رضی (۱۴۱۹: ۱۸۹/۲) است. حرف روی دو بیت اول در تاریخنامه هرات، همراه تنوین است که خطاست. «يُؤْذِنُنَا» هم به صورت «يُؤْذِنُنَا» ضبط شده که اشتباه است؛ چراکه فعل از باب افعال است.

ترجمه پیشنهادی: هیچ کسی از فنا و نیستی در امان نیست و جاودانگی، مختص کسی نیست. مرگ نه از بخیل، نه از سخی، نه از ترسو، نه از بخشنده و نه از دلاور، بازداشته نمی شود. (همه محکوم به مرگیم.) ابتدای زندگی، ما را با یاد مرگ می آزارد و ما به روزها و دولتها میل می کنیم.

۱۲-۲ وَ أَرَى الْأُمُورَ الْمُشْكِلَاتِ تَمَزَّقَتْ      ظَلَمَاتُهَا عَنْ رَأْيِكَ الْمُتَوَقَّدِ  
نقد و بررسی: در ص ۳۱۸ این بیت بدون ذکر نام شاعر آمده؛ درحالی که از ابوتمام (۱۴۱۴: ۲۶۰/۱) است.

ترجمه پیشنهادی: کارهای دشوار را می بینم که تاریکی هایش با اندیشه نورانیت از بین می رود.

۱۳-۲ هَلِ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا جَمِيعاً      سَوَى ظِلٍّ يَزُولُ مَعَ النَّهَارِ  
تَفَكَّرْ أَيْنَ أَصْحَابِ السَّرَايَا      وَأَرْبَابِ الصَّوْافِنِ وَالْعُشَارِ  
وَأَيْنَ الْأَعْظُمُونَ يَدَاؤُا وَبَاساً      وَأَيْنَ السَّابِقُونَ لَذَى الْفَخَارِ  
كَأَنَّ لَمْ يُخْلَقُوا أَوْ لَمْ يَكُونُوا      وَهَلْ أَحَدٌ يَصَانُ مِنَ الْبَوَارِ

نقد و بررسی: در ص ۳۳۰ چهار بیت با عنوان «لَا أَدْرِي قَائِلُهُ» وارد شده؛ درحالی که منسوب به امام حسین علیه السلام (۱۳۸۹: ۹۵) است.

ترجمه پیشنهادی: آیا دنیا و آنچه در آن است، چیزی جز سایه ای ناپایدار است؟ بیندیش، کجایند لشکریان و صاحبان اسبان و شتران؟ کجایند قدرتمندان و دلاوران بزرگ؟ کجایند پیشی گیرندگان در فخر و شرف؟ گویی آفریده نشده اند یا هرگز (در دنیا) نبوده اند. آیا کسی از نابودی و مرگ در امان است؟

۱۴-۲ مَنْ كَانَ يَرْجُو عَفْوَ مَنْ هُوَ فَوْقَهُ      فَلْيَعْفُوْا عَنْ ذَنْبٍ مَنْ هُوَ دُونَهُ

نقد و بررسی: در ص ۳۷۴ این بیت بدون ذکر نام شاعر وارد شده؛ درحالی که از ابوالفتح بستی (۱۲۹۴: ۶۶۳) است.

ترجمه پیشنهادی: هر کس به بخشایش زبردست خویش، امیدوار است، باید بر زبردستش ببخشايد.

۱۵-۲ إِذَا مَا حَمَامُ الْمَرْءِ كَانَ بِلَدَةٍ دَعَتْهُ إِلَيْهَا حَاجَةٌ أَوْ تَطَرُّبُ

نقد و بررسی: در ص ۴۴۶ این بیت بدون ذکر نام شاعر، وارد شده؛ درحالی که از ابوالشیص الخزاعی (۲۰۱۵: ۶) است. مصحح کتاب به جای «حَمَامُ»، «حَمَامٌ» آورده که خطاست؛ چراکه سخن از مرگ است نه کبوتر!

ترجمه پیشنهادی: چون مرگ کسی در سرزمینی باشد، نیاز یا شادمانی وی را به سوی آن مکان فراخواند.

۱۶-۲ كَأَنَّمَا النَّاسُ فِي الدُّنْيَا بِظُلُكُمُ قَدْ خِيَمُوا بَيْنَ جَنَاتٍ وَأَنْهَارٍ

نقد و بررسی: در ص ۴۵۳ این بیت بدون ذکر نام شاعر آمده؛ درحالی که از ابن الرومی (۱۴۲۳: ۸۹/۲) است.

ترجمه پیشنهادی: گویی مردمان در سایه شما، میان بوستانها و جویها خیمه زده‌اند. (و در خوشی و آرامشند.)

۱۷-۲ لَا أَدَبٌ عِنْدَ مُمَرَّدٍ وَلَا حَسَبٌ وَلَا عَهْدٌ لَهُمْ وَلَا ذِمٌّ

نقد و بررسی: در ص ۴۵۴ این بیت بدون ذکر نام گوینده به همین صورت آمده است. خطای ضبط در مصراع اول آن آشکار است. بیت نیز از المتنبی (۲۰۱۲: ۱۲۴۱) و به صورت زیر است:

لَا أَدَبٌ عِنْدَهُمْ وَلَا حَسَبٌ وَلَا عَهْدٌ لَهُمْ وَلَا ذِمٌّ

ترجمه پیشنهادی: نه ادبی دارند؛ نه نژاده‌اند و نه به عهد و پیمانشان وفادارند.

۱۸-۲ أَوْدَعُكُمْ وَأَوْدَعُكُمْ جَنَانِي وَأَنْتُمْ عِبْرَتِي ثَرَّ الْجُمَانِ

وَقَلْبِي لَا يُرِيدُ لَكُمْ فِرَاقًا وَلَكِنْ هَذِهِ حُكْمُ الزَّمَانِ

(ابن الوردی: ۱۳۸۹: ۳۶۰/۲)

نقد و بررسی: در ص ۵۶۵ دو بیت بدون نام گوینده وارد شده؛ درحالی که از «ابن دقیق العید» است.

\_\_\_\_\_ نقدی بر تصحیح اشعار عربی تاریخنامه هرات سیفی هروی از غلامرضا طباطبایی مجد

ترجمه پیشنهادی: شما را بدرود می‌گویم و دلم را نزد شما به امانت می‌گذارم و چون ریخته شدن مرواریدها، اشک می‌بارم. دلم، جدایی از شما را نمی‌خواهد، اما (چه می‌توان کرد) این حکم روزگار است.

۱۹-۲ فَمَوْتُ الْفَتَى خَيْرٌ لَهُ مِنْ حَيَاتِهِ      بَدَارَ هَوَاٍ بَيْنَ وَاشٍ وَ حَاسِدٍ  
نقد و بررسی: در ص ۴۶۷ این بیت بدون ذکر نام شاعر وارد شده؛ درحالی‌که از امام شافعی (بی تا: ۵۸) است.

ترجمه پیشنهادی: مرگ آدمی برای وی بهتر از زندگیش میان سخن‌چینان و بدخواهان است.

۲۰-۲ بِجَيْشٍ جَاشَ بِالْفُرْسَانِ حَتَّى      ظَنَنْتَ الْبَرَّ بَحْرًا مِنْ سِلَاحٍ  
نقد و بررسی: در ص ۶۴۹ بیت بدون ذکر نام شاعر وارد شده؛ درحالی‌که از ابوفراس الحمدانی (۷۱: ۱۴۰۹) است.

با لشکری که از سواران موج می‌زد تا جایی که بیابان را از فراوانی سلاح، دریا می‌پنداشتی.

۲۱-۲ غَدَتْ بِكَ آفَاقُ الْبِلَادِ خَصِيْبَةً      وَ هَلْ تُمَحِلُّ الدُّنْيَا وَ أَنْتَ ثَمَالَهَا  
نقد و بررسی: در ص ۵۷۹ این بیت بدون نام شاعر وارد شده؛ درحالی‌که از البحتری (بی تا: ۱۶۳۱) است. هم‌چنین مصحح کتاب به جای «خَصِيْبَةً»، «حَصِيْنَةً» و به جای «تُمَحِلُّ»، «تَحْمَلُ» ضبط کرده که هر دو خطاست.

ترجمه پیشنهادی: کران تا کران شهرها به سبب تو، بارور گشت و آیا هنگامی که تو پناه مردمانی، خشکسالی و قحطی، آنان را فرامی‌گیری؟

۲۲-۲ سَأَحْفَظُ عَهْدَهُ مَا دُمْتُ حَيًّا      وَ حَفِظْتُ الْعَهْدَ مِنْ كَرَمِ النَّحَاسِ  
(جرفادقانی: ۱۳۵۷: ۳۴۰)

نقد و بررسی: در ص ۵۹۵ این بیت بدون ذکر نام شاعر وارد شده؛ درحالی‌که از «ابوالقاسم محمد بن الفضل» است.

ترجمه پیشنهادی: تا زنده‌ام به عهد و پیمانم با وی وفادار خواهم بود؛ چراکه وفای به عهد، نشان نژادگی است.

۲۳-۲ وَ عَيْنُ الرُّضَا عَنْ كُلِّ عَيْبٍ      وَ لَكِنَّ عَيْنَ السُّخْطِ تُبْدِي الْمَسَاوِيَا  
نقد و بررسی: در ص ۵۹۷ بیت بدون ذکر نام شاعر وارد شده؛ درحالی‌که از امام شافعی (بی تا: ۱۳۱) است.

۲-۲۴ بُلَيْنَا بِقَوْمٍ يَدْعُونَ رَأْسَهُ      لَهَا طُرُقٌ يَعْيَى عَلَيْهِمْ سُلُوكُهَا  
فَتَبَّأَ لَدَهْرٍ قَدَمَتَهُمْ صُرُوفُهُ      وَ مَا خَيْرُ دُنْيَا هَؤُلَاءِ مُلُوكُهَا

نقد و بررسی: در ص ۶۰۲ دو بیت بدون نام گوینده وارد شده، درحالی که از ابیوردی (بی تا: ۴۷۵) است. مصحح کتاب به جای «طُرُق»، «طُرُق» و به جای «فَتَبَّأَ»، «فَتَسَعَا» ضبط کرده که خطاست.

ترجمه پیشنهادی: گرفتار گروهی شده‌ایم که ادعای سروری دارند؛ اما سروری، آدابی دارد که این گروه از انجام آن ناتوان شد. هلاکی باد بر روزگارا! چراکه گشت روزگار، این گروه را مقدم ساخته است. دنیایی که این گروه، پادشاهان آن است، هیچ خیری ندارد.

۲-۲۵ لِدُوا لِلْمَوْتِ وَ ابْئُوا لِلْخَرَابِ      فَكُلُّكُمْ يَصِيرُ إِلَى ذَهَابٍ  
نقد و بررسی: در ص ۶۰۶ این بیت بدون نام گوینده وارد شده؛ درحالی که از ابوالعتاهیه (۱۴۰۶: ۴۶) است.

ترجمه پیشنهادی: برای مرگ بزیاید و برای ویرانی، بنا کنید؛ چراکه همگی برای رفتنید.

۲-۲۶ لَيْسَ الْيَتِيمُ الَّذِي قَدْ مَاتَ وَالِدُهُ      إِنَّ الْيَتِيمَ يَتِيمُ الْعِلْمِ وَالْأَدَبِ  
نقد و بررسی: در ص ۶۰۷ این بیت بدون نام شاعر وارد شده؛ درحالی که منسوب به امام علی علیه السلام (۱۴۲۶: ۲۸) است.

ترجمه پیشنهادی: یتیم، کسی نیست که از نعمت پدر، بی بهره باشد. یتیم حقیقی کسی است که از دانش و ادب بی بهره باشد.

۲-۲۷ وَ لَوْ كَانَ لِي نَفْسَانِ كُنْتُ مُقَاتِلًا      بِإِحْدَاهُمَا حَتَّى تَمُوتَ فَأَسْلَمًا  
نقد و بررسی: در ص ۶۱۵ این بیت با عنوان «لِوَأَحَدِ الشُّعْرَاءِ» آمده است. بیت از ابودلامه (۱۴۱۴: ۴۳) است.

ترجمه پیشنهادی: اگر دو جان داشتم با یکی از آنها نبرد می کردم تا اینکه بمیرد و دیگری زنده ماند.

۲-۲۸ أَلَحَّ وَ قَدْ رَأَى بَرْقًا مُلِيحًا      سَرَى فَأَتَى الْحَمَى نَضُوءًا طَلِيحًا  
كَمَا أَغْضَى الْفَتَى لِيَذُوقَ غَمَضًا      فَصَادَفَ جَفْنَهُ جَفْنًا قَرِيحًا  
إِذَا مَا اهْتَاجَ أَحْمَرٌ مُسْتَطِيرًا      حَسِبْتُ اللَّيْلَ زَنْجِيًّا جَرِيحًا

\_\_\_\_\_ نقدی بر تصحیح اشعار عربی تاریخنامه هرات سیفی هروی از غلامرضا طباطبایی مجد

نقد و بررسی: در ص ۶۲۸ سه بیت از «دقیقی» وارد شده؛ درحالی که از ابوالعلاء المعری (۱۳۷۶: ۷۴) است.

ترجمه پیشنهادی: او درحالی که برق درخشان را دید، اظهار ترس و بیتابی کرد؛ شبانه از مسافتی دور حرکت کرد و به «حمی» درآمد درحالی که بسیار خسته و مانده بود. درخشش برق در آن شب بسان حال مردی بود که می‌خواست بخوابد؛ ولی از خستگی زیاد نتوانست پلکهایش را روی هم نهد یا چشمانش را باز گذارد؛ پس بیدار ماند و همواره چشمانش را بر هم می‌زد. هرگاه برق به جوش و خروش آید درحالی که سرخ و پراکنده است، گمان می‌کنی، شب، زنگی خونینی است.

۲۹-۲ سَلَامٌ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ الدَّوَّاسِ      كَأَنَّهُمْ لَمْ يَجْلِسُوا فِي الْمَجَالِسِ  
وَلَمْ يَلْغُوا مِنْ بَارِدِ الْمَاءِ لَذَّةً      وَ لَمْ يَطْعَمُوا مَا بَيْنَ رَطْبٍ وَ يَابِسٍ

نقد و بررسی: در ص ۶۶۰ دو بیت از «فخر عمید» ثبت شده؛ درحالی که از ابوالعتاهیه (۱۴۰۶: ۲۲۵) است.

ترجمه پیشنهادی: درود بر اهل گورهای پوشیده! گویی آنان هرگز در مجالس (و در میان ما) نبوده، و از خنکای آب، لذتی نبرده، و هیچ تر و خشکی نخورده‌اند.

۳۰-۲ أَهْلًا بِفَجْرِ قَدْ نَضَّا ثَوْبَ الدُّجَى      كَالسَّيْفِ جُرْدَ مَنْ سَوَادِ قِرَابٍ  
(الثعالبی: ۱۴۰۳: ۴/۴۳۰)

نقد و بررسی: در ص ۶۸۱ بیت بدون نام گوینده وارد شده است. بیت از المیکالی است. ترجمه پیشنهادی: خوش باد بر سپیده‌دمی که جامه تاریکی را بیرون کشید؛ چنانکه شمشیری از تاریکی نیام برکشیده شود.

۳۱-۲ إِنَّ الْعُلَا فِي شِفَارِ الْبَيْضِ كَامِنَةٌ      أَوْ فِي الْأَسِنَّةِ مِنْ عَسَائِهِ ذُبُلٌ

نقد و بررسی: در ص ۷۰۷ این بیت بدون نام گوینده وارد شده است. بیت از ابیوردی (بی تا: ۴۵) است.

ترجمه پیشنهادی: بی‌گمان بزرگواریها در لبه تیز شمشیرها یا در سرنیزه‌های جنبنده باریک پنهانند.

### ۳. خطاهای شکلی (اعراب‌گذاری)

خطاهای شکلی، گاه وزن شعر را به هم می‌ریزد و گاهی نیز ناشی از عدم دقت در مبانی

صرفی است.

۳-۱ يَصِيدُونَ الْفَوَارِسَ كُلَّ يَوْمٍ كَمَا تَتَصَيَّدُ الْأُسْدُ النَّقَادَا  
نقد و بررسی: در ص ۱۱۷، مصحح کتاب واژه «الأسد» را در این بیت از ابوالعلاء المعری به صورت «الأسد» شکل گذاری کرده که اشتباه است و وزن شعر به هم می ریزد. ترجمه پیشنهادی: سواران را هر روز شکار می کنند؛ آن چنانکه شیران، گوسفندان را شکار کنند.

۳-۲ وَهَذَا دُعَاءٌ لَا يُرَدُّ فَإِنَّهُ صَلَحٌ لِأَصْنَافِ الْبَرِيَّةِ شَامِلٌ  
نقد و بررسی: در ص ۲۲۰ در این بیت، مصحح کتاب به جای «يُرَدُّ»، «يُرَدَّ» آورده که خطاست؛ چرا که جمله نیازمند فعل مجهول است. ترجمه پیشنهادی: این دعایی است که اجابت می شود؛ چراکه مصلحت همه را در بر می گیرد.

۳-۳ بَقِيَتْ وَلِلْأُضْيَافِ نَارُكَ مَقْصَدٌ وَعِشْتَ وَلِلْأَشْرَافِ دَارُكَ مَرْجَعٌ  
نقد و بررسی: در ص ۲۲۳ در این بیت از «رشید وطواط»، مصحح کتاب به جای «بَقِيَتْ»، «بَقِيَتْ» آورده که خطاست. ترجمه پیشنهادی: امیدوارم باقی مانی و آتش تو، مقصد میهمانان باشد و امیدوارم زنده مانی و خانهات، پناه و بازگشتگاه بزرگان باشد.

۳-۴ سَامَضِي لِنَصْرِ الْحَقِّ وَالشُّرْكِ رَاغِمٌ بِيَضِ تَقْدِ الدَّارِعِينَ ظَمَاءٌ  
نقد و بررسی: در ص ۲۵۰ در این بیت از «علی هیصم»، مصحح کتاب به جای «تَقْدُ»، «تَقْدُ» ضبط کرده که اشتباه است. ترجمه پیشنهادی: بزودی برای یاری حق خواهم رفت؛ درحالی که پوزه شرک با شمشیرهای تشنه ای که زره داران و جنگجویان را به دو نیم می کنند بر خاک مالیده خواهد شد.

۳-۵ لِكُلِّ مَنْ بَنَى الدُّنْيَا مُرَادٌ وَمَا لِي غَيْرُ حَرْبٍ مِنْ إِرَادَةٍ  
نقد و بررسی: در ص ۳۱۹ در این بیت از «آفاقی»، مصحح کتاب به جای «لِكُلِّ»، «لِكُلِّ» و به جای «إِرَادَةٍ»، «أَرَادَةٍ» ضبط کرده که خطاست: ترجمه پیشنهادی: هر دنیا زاده ای، خواسته ای دارد؛ اما ما خواسته ای جز نبرد نداریم.

\_\_\_\_\_ نقدی بر تصحیح اشعار عربی تاریخنامه هرات سیفی هروی از غلامرضا طباطبایی مجد

۳-۶ وَ أَخُو النَّوَاضِعِ مَنْ تَحَلَّى بِالْعُلَى وَالْكِبَرُ وَالْإِعْجَابُ فَعَلُ الْعَاطِلِ  
نقد و بررسی: در ص ۳۸۳ در این بیت، مصحح کتاب به جای «مَنْ تَحَلَّى»، «مَنْ تَحَلَّى» ضبط کرده که با توجه به معنای خود مؤلف و نحو بیت، خطاست.  
ترجمه پیشنهادی: متواضع کسی است که به بزرگواری آراسته گردد. خودمنشی و خودبینی، کردار انسان بیکار و بدگوهر است.

#### ۴. اشکالات حرف روی

باید در نظر داشت که حرف روی در شعر عربی تنوین نمی‌پذیرد. در ابیات زیر، مصحح کتاب حرف روی ابیات را با تنوین آورده است (اعداد داخل پرانتز، صفحه کتاب تاریخنامه هرات است).

إِلَهُ غَافِرٍ قَرْدٌ كَرِيمٌ  
تَعْنُو لِعَزَّتِكَ الْمُلُوكُ إِذَا أَنْجَلَى  
فَكَمْ تَجَرَّعْنِي غَيْظاً تَفُورُ بِهِ  
يَا دَهْرُ هَبْنِي لَأَشْكُوَ إِلَى أَحَدٍ  
فَالنَّاسُ أَعْوَانُ مَنْ وَالْتَهُ دَوْلَتُهُ  
كَأَمَّا النَّاسُ فِي الدُّنْيَا بَظْلُكُمْ  
أَتَانِي كِتَابٌ زَادَ مَوْرَدَهُ قَدْرِي  
طَوَى شَمْسُ الْمُلُوكِ بِسَاطِ عُمَرٍ  
دَعَاهُ اللَّهُ وَهُوَ أَجَلٌ دَاعٍ  
حَوَى الدُّنْيَا بِقُوَّةٍ سَاعِدِيهِ  
نَوْمُ الْعِيُونِ عَلَى الْجَفُونِ حَرَامٌ  
مَاتَ الْمَعَالِي وَالْعُلُومُ بِمَوْتِهِ  
وَأَنْتَ لُغْمَةُ الْبُلُوعِ جَلَاءُ  
وَأَنْتَ لِكُلِّ مَأْثَرَةٍ أَسَاسُ  
الْحَاحِ وَقَدْ رَأَى بَرْقاً مُلِحِياً  
كَمَا أَغْضَى الْفَتَى لِيَذُوقَ غَمْضاً  
إِذَا مَا اهْتَجَ أَحْمَرُ مُسْتَطِيراً  
فَمَا يِلَادٍ غَيْرِ أَرْضِكَ حَاجَةً

رَحِيمٌ قَادِرٌ رَبٌّ غَفُورٌ (۲۴۰)  
عَنْكَ الرُّوَاءُ وَلَاحَ مِنْكَ جَبِينُ (۲۹۹)  
جَوَانِحُ بَتُّ أَطْوِيهَا عَلَى لَهَبِ  
مَا ظَلَّ مَتَهَساً شَلَوَى مِنَ التُّوبِ (۴۴۴)  
وَهُمْ عَلَيْهِ إِذَا عَادَتْهُ أَعْوَانُ (۴۴۴)  
قَدْ خِيَمُوا بَيْنَ جَنَّاتٍ وَ أَنْهَارِ (۴۵۳)  
كَمَا جَاءَ وَحَى اللَّهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۴۷۲)  
وَعَطَّلَ مَنْ مُحْيَاهُ السَّرِيرِ  
فَعَجَّلَ نَحْوُ حَضْرَتِهِ الْمَسِيرِ  
وَصَادَفَ مُلْكَهَا مُلْكاً صَغِيراً (۴۸۱)  
وَدُمُوعُهُنَّ مَعَ الدِّمَاءِ سَجَامٌ  
فَعَلَى الْمَعَالِي وَالْعُلُومِ سَلَامٌ (۴۸۳)  
وَأَنْتَ لَأُمَّةُ التَّقْوَى إِمَامٌ  
وَأَنْتَ لِكُلِّ مَكْرَمَةٍ عِمَادُ (۵۶۰)  
سَرَى فَأَتَى الْحَمَى نَضُوءاً طَلِيحاً  
فَصَادَفَ جَفْنَهُ جَفْناً قَرِيحاً  
حَسَبْتَ اللَّيْلَ زَنْجِيّاً جَرِيحاً  
وَلَا فِي وَدَادٍ غَيْرِ وَدَكِ مَرْغَبُ (۶۵۲)



لذی عَقَبَ الْأَيَّامَ بُؤْسٌ وَأَنْعَمٌ      نَعَمْ وَانْتَعَشْتُ تَارَةً وَعَثَارُ (۶۵۷)  
 فَوَالَّذِي تَعَنَّوُا التَّوَأَصِي لَهُ      يَوْمَ وَجُوهَ الْجَمْعِ سُودٌ وَبَيْضُ (۶۶۶)  
 مَهَالِكٍ لَمْ تَصْحَبْ بِهَا الذُّبُّ نَفْسُهُ      وَلَا حَمَلَتْ فِيهَا الْغُرَابُ قَوَادِمَهُ (۷۲۹)

## ۵. خطاهای ضبط درست کلمات

مراجعه نکردن به دیوان شاعران و کتابهای مرجع، سبب شده است که مصحح کتاب در موارد متعددی در ضبط کلمات به خطا رود.

۵-۱      لَوْ تَقَدَّمَ فِي عَصْرِ مَضَى نَزَلْتُ      فِي وَصْفِهِ مُعْجَزَاتُ الْآيِ وَالسُّورِ  
 وَقَاسِمُ الْجُودِ فِي عَالٍ وَمُنْخَفِضٍ      كَفَسْمَةِ الْغَيْثِ بَيْنَ النَّجْمِ وَالشَّجَرِ

نقد و بررسی: در ص ۱۷۷ در این ابیات، که از ابوالعلاء معری (۱۳۷۶: ۵۸) است، مصحح کتاب به جای «الْآيِ» و «النَّجْمِ»، «آلای» و «النبت» ضبط کرده است.

ترجمه پیشنهادی: اگر ممدوح پس از حضرت محمد(ص)، که خاتم پیامبران است به عرصه وجود پا نهاده بود، بی گمان یکی از پیامبران، و آیات و سوره‌ها بر اول نازل شده بود. او میان وضع و شریف تفاوتی نمی‌نهد و به همه کرم می‌کند؛ چنانکه باران در جود و کرمش، تفاوتی میان گیاه باساقه و بی ساقه نمی‌گذارد.

۵-۲      لَهُ الشَّرَفُ الْغَذِي يَطَأُ الثَّرِيَا      مَعَ الْبَاسِ الْغَذِي بَهَرَ الْأَسْوَدَا

نقد و بررسی: در ص ۲۸۹ در این بیت از ابوالعلاء المعری (۱۳۷۶: ۱۹۹)، مصحح کتاب به جای «يَطَأُ»، «يُطَاءُ» آورده که خطاست.

ترجمه پیشنهادی: وی را مقام و شرافتی است که با آن ثریا را پا می‌نهد؛ همراه با شجاعتی که بر شیران هم غلبه می‌کند.

۵-۳      وَبِالْقَلْبِ وَشَمٍّ مِنْ هَوَاهَا وَلَمْ يَكُنْ      لِيَمْحُوهُ غَدْرِي حَيَاءً مِنَ الْمَجْدِ

نقد و بررسی: در ص ۲۶۸ در بیت زیر از ابیوردی (بی تا: ۵۷۳)، مصحح کتاب به جای «وَشَمٍّ»، «وَشَمُّ» ضبط کرده است. این کلمه به معنای «بوی و رایحه» است و این معنا با کلمات بیت هیچ تناسبی ندارد.

ترجمه پیشنهادی: در دلم، نشانی از عشق وی است و خیانت من به سبب شرم از بزرگواریها، هرگز آن نشان را از بین نمی‌برد.



نقدی بر تصحیح اشعار عربی تاریخنامه هرات سیفی هروی از غلامرضا طباطبایی مجد

۵-۴ نَاهُ حَكَاهَا الظَّبْيُ جِيداً وَمَقْلَةً      وَلَيْسَ لَهَا فِي حُسْنِهَا بِعَدِيلٍ  
تَمِيطُ لثَاماً عَنْ مُحَيَّا لِشْرِهِ      وَمَيْضُ رَقِيقِ الشُّفْرَتَيْنِ صَقِيلٍ  
وَتَرْتَوِ بَنَجَلَاوِينَ سَحَرُهُمَا جَثَا      عَلَى نَظَرٍ يَسْبِي الْقُلُوبَ كَلِيلٍ

نقد و بررسی: در ص ۳۰۱ در دو بیت اول از این ابیات ابیوردی (بی تا: ۵۳۳)، مصحح کتاب به جای «بَعْدِيلِ» و «تَمِيطُ» و «وَمَيْضُ»، «بَعْدِيلُ» و «تَمِيطُ» و «وَمَيْضُ» ضبط کرده است. هم‌چنین در بیت سوم فعل «جَثَا» را در مصراع دوم آورده است؛ حال اینکه باید در پایان مصراع اول آورده می‌شد.

ترجمه پیشنهادی: او، نازپرورده‌ای است که آهو از نظر (زیبایی) گردن و چشم، چون اوست و در زیبایش، هیچ ماندنی ندارد. درخشش شمشیر صیقل داده‌شده، روبند را از رخسار زیبای وی کنار می‌زند. (رخسار زیبا، در روشنی به شمشیر صیقل داده‌شده تشبیه شده است.) با دو چشم فراخ خود می‌نگرد؛ چشمانی که جادویشان بر نگاهش مقیم شده (با چشمانش جادو می‌کند.) و دلها را با آن به بند می‌کشد.

۵-۵ يَقُولُ لَكَ الْعَقْلُ الَّذِي بَيْنَ الْهَدَى      إِذَا أَنْتَ لَمْ تَدْرَ عَدُوًّا فَدَارِهِ  
وَقَبْلُ يَدِ الْجَانِي الَّذِي لَسْتَ وَأَصْلًا      إِلَيَّ قَطْعَهَا وَانْظُرْ سُقُوطَ جِدَارِهِ

نقد و بررسی: در ص ۳۵۴ در این ابیات از ابوالعلاء المعری (۱۳۷۶: ۱۰۱)، مصحح کتاب به جای «بَيْنَ» و «الْجَانِي»، «بَيْنَ» و «الْجَانِي» ضبط کرده که بی‌گمان خطاست. ترجمه پیشنهادی: خردی که رستگاری را بر تو روشن ساخت، تو را گوید: هرگاه نتوانی دشمنی را دفع کنی، با وی مدارا کن و دست جنایتکاری که نمی‌توانی ببری، ببوس و فروافتادن دیوارش را بنگر. (روزگار وی را بر زمین خواهد زد.)

۵-۶ هَلِ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا جَمِيعاً      سَوَى ظِلٍّ يَزُولُ مَعَ التَّهَارِ  
تَفَكَّرْ أَتَيْنَ أَصْحَابُ السَّرَايَا      وَأَرْبَابُ الصَّوْافِنِ وَالْعَشَارِ  
وَأَيْنَ الْأَعْظَمُونَ يَدَا وَبَاساً      وَأَيْنَ السَّابِقُونَ لِدَى الْفَخَارِ  
كَأَنَّ لَمْ يُخْلَقُوا أَوْ لَمْ يَكُونُوا      وَهَلْ أَحَدٌ يَصَانُ مِنَ الْبَوَارِ

نقد و بررسی: در ص ۳۳۰ چهار بیت با عنوان «لَا أَدْرِي قَائِلُهُ» وارد شده؛ درحالی که به امام حسین علیه‌السلام (۱۳۸۹: ۹۵) منسوب است. مصحح کتاب به جای «هَلِ» و «تَفَكَّرْ» و «لِدَى» و «أَحَدٌ» و «مِنْ»، «هَلِ» و «تَفَكَّرْ» و «لِدَى» و «حَيٌّ» و «عَنْ» ضبط کرده که خطاست.

۷-۵ جَمَالُ ذِي الْأَرْضِ كَانُوا فِي الْحَيَاةِ وَ هُمْ بَعْدَ الْمَمَاتِ جَمَالُ الْكُتُبِ وَالسَّيْرِ  
 نقد و بررسی: در ص ۱۷۸ در این بیت از ابوالعلاء المعری (۱۳۷۶: ۵۹)، مصحح کتاب به جای «الْکُتُبِ»، «الْکُتُبِ» ضبط کرده است که بنابر ضرورت شعری باید به سکون «تا» ضبط شود.

ترجمه پیشنهادی: آنان تا هنگامی که زنده بودند، سبب زیبایی روزگار بودند و پس از مرگشان، سبب زیبایی کتابها و ستهایند. (خلق و خویشان در کتابها مسطور است و دیگران از آنان پیروی می کنند).

۸-۵ مَشَوْا إِلَيْهَا بِأَسْيَافٍ كَمَا انْكَدَرَتْ شُهَبٌ ثَوَاقِبُ فِي إِثْرِ الشَّيَاطِينِ  
 نقد و بررسی: در ص ۳۹۱ در این بیت از ابیوردی (بی تا: ۱۱)، مصحح کتاب به جای «إِثْرٍ»، «إِثْرٍ» ضبط کرده و نیز از آخر مصراع اول، فعل «انْكَدَرَتْ» را انداخته است که با این ضبط وزن و معنای بیت برهم می ریزد.  
 ترجمه پیشنهادی: با شمشیرها به او حمله بردند؛ چنانکه ستارگان تابان به شیاطین حمله برند.

۹-۵ وَ خَدُّ الْأَرْضِ يَغْمُرُهُ نَجِيعٌ وَ عَيْنُ الشَّمْسِ يَكْحُلُهَا قَتَامٌ  
 نقد و بررسی: در ص ۳۹۲ در این بیت از ابیوردی، مصحح کتاب به جای «يَغْمُرُهُ» و «قَتَامٌ»، «يَعْمُرُهُ» و «الْقَتَامُ» ضبط کرده که خطاست.  
 ترجمه پیشنهادی: خون تازه، روی زمین را فرومی گیرد و گرد و غبار (ناشی از نبرد) چشمه خورشید را سرمه می کشد.

۱۰-۵ أَمْزَقُ جَلَبَابِ الظَّلَامِ كَمَا فَرَى أَخُو الْحُزْنِ مَا نَالَتْ يَدَاهُ مِنَ الْبُرْدِ وَ قَدْ عَبَّ فِي كَأْسِ الْكَرَى كُلُّ رَاكِبٍ فَمَالَ نَزِيفًا وَ الْجِيَادُ بِنَا تَرْدِي  
 نقد و بررسی: در ص ۴۵۸ در این بیت از ابیوردی (بی تا: ۵۷۲)، مصحح کتاب به جای «فَرَى» و «نَزِيفًا»، «تَرَى» و «نَزِيفًا» ضبط کرده که خطاست.  
 ترجمه پیشنهادی: پیراهن تاریکی را می شکافم؛ آن چنانکه شخص اندوهگین، پارچه گرانبهای بُرد را می شکافد. هر سواری از جام خواب، می نوشد و با مستی (به هر سو) میل می کند و اسبان، ما را می برند.

۱۱-۵ طَوِيلُ النَّجَادِ طَوِيلُ الْعِمَادِ طَوِيلُ الْقَنَاءِ طَوِيلُ السَّنَانِ

\_\_\_\_\_ نقدی بر تصحیح اشعار عربی تاریخنامه هرات سیفی هروی از غلامرضا طباطبایی مجد

نقد و بررسی: در ص ۷۳۱ در این بیت از المتنبی (۲۰۱۲: ۱۴۸۹)، مصحح کتاب به جای «السَّان»، «اللسان» ضبط کرده که خطاست:

ترجمه پیشنهادی: حمایل شمشیرم، ستونهای خیمه‌ام، نیزه‌ام و سرنیزه‌ام، همگی بلندند.  
(من دلاور، سرور، کریم و قدرتمندم.)

۱۲-۵ لَا تَجْزَعَنَّ مِنَ الْحَوَادِثِ إِنَّمَا خُرِقَ الرَّجَالُ عَلَى الْحَوَادِثِ يَجْزَعُ

نقد و بررسی: در ص ۷۵۳ در این بیت، که به امام علی (ع) (۱۴۲۶: ۱۰۷) منسوب است، مصحح کتاب به جای «خُرِقَ» و «يُجْزَعُ»، «خَرِقُ» و «تَخْرَعُ» ضبط کرده که خطاست.

ترجمه پیشنهادی: در هیچ پیشامدی، ناشکیبایی مکن؛ چراکه مردمان گول و احمق در برابر پیشامدها ناشکیبایی می‌کنند.

۱۳-۵ أَلَدُّ مِنَ الْمُدَامِ الْخَنْدَرِيسِ وَأَحْلَى مِنْ مُعَاطَاةِ الْكُؤُوسِ

نقد و بررسی: در ص ۷۵۶ در این بیت از المتنبی (۲۰۱۲: ۶۸۴)، مصحح کتاب به جای «الْمُدَامِ» و «الْكُؤُوسِ»، «الهدام» و «الْكُؤُسِ» ضبط کرده که خطاست.

ترجمه پیشنهادی: گواراتر از شراب کهنه و شیرین‌تر از دست به دست چرخیدن جامها.  
۱۴-۵ وَقَالُوا مَلِيكَ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَصَاحَةً مِّنْ قَدْ نَعَاهُ عُلْتُ

نقد و بررسی: در ص ۵۳۵ در این بیت، مصحح کتاب به جای «قَضَىٰ نَحْبَهُ»، «قَضَ نَحْبَهُ» ضبط کرده است. «قَضَىٰ نَحْبَهُ» اصطلاح قرآنی است (سوره احزاب/۲۳) به معنای مرد کشته شد در راه خدا؛ گویی مرگ نذری بوده است بر گردن وی (لغت‌نامه دهخدا: ذیل واژه).

ترجمه پیشنهادی: گفتند پادشاهی به دیار باقی شتافت و بانگ کسی بلند شد که خبر مرگ را آورده بود.

۱۵-۵ فَسُحْقًا لِّدَهْرٍ سَاوَرْتَنِي هُمُومُهُ وَشَلْتُ يَدَ الْأَيَّامِ غُلْتُ وَتَبْتُ  
نقد و بررسی: در ص ۲۱۳ در این بیت، مصحح کتاب به جای «فَسُحْقًا»، «مَسُحْقًا» ضبط کرده است. این واژه در هیچ فرهنگ و منبعی نیست. «سُحْقًا لِّدَهْرٍ» به معنای هلاکت باد بر روزگار، نفرین شایعی در ادب عربی است. «فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ» (ملک/۱۱).

ترجمه پیشنهادی: مرده باد روزگاری که غمهایش بر من حمله‌ور شد و دست روزگار، شل و بسته و بریده باد.

۱۶-۵ هُم يَهْجُمُونَ عَلَى الْعِدَى فِي لَمَحَةٍ وَ الْبُعْدُ بَيْنَ الْجَحْفَلَيْنِ فَرَأْسِخُ

نقد و بررسی: در ص ۳۴۹ در این بیت، مصحح کتاب به جای «الْبُعْدُ»، «الْعَبْدُ» ضبط کرده که بی گمان خطاست.

ترجمه پیشنهادی: آنان در چشم برهم زدنی بر دشمنان حمله می کنند؛ درحالی که میان دو لشکر، فرسخ ها فاصله است.

### نتیجه گیری

مراجعه نکردن به دیوان شاعران، کتابهای مرجع، شروح معتبر اشعار عربی، مراجعه نکردن به فرهنگهای معتبر فارسی و عربی، خطاهای فاحش صرفی و نحوی، اعراب گذاری اشتباه، توجه نکردن به وزن شعر، دقت نکردن در قواعد حرف روی، دقت نکردن در صیغه و ریشه افعال، خوانش اشتباه کلمات، ثبت و ضبط اشتباه کلمات، مواردی است که بخش ابیات عربی کتاب تاریخنامه هرات به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد را با اشکالات اساسی روبه رو کرده است. این اشکالات، سبب شده است که از ارزش تصحیح وی کاسته شود و این کتاب نیازمند تصحیح دوباره باشد.

### منابع

- قرآن کریم، با ترجمه ناصر مکارم شیرازی. تهران: عابدزاده، ۱۳۹۲.
- ابن الرومی، علی بن عباس بن جریح (جرجیس)، *دیوان*، شرح احمد حسن بسج، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۳.
- ابن الوردی، زین الدین عمر، *تمه المختصر فی اخبار البشر*، به کوشش احمد رفعت بدرآوی، بیروت، ۱۳۸۹ق.
- أبوتمام، حبیب بن اوس الطائی، *دیوان*، شرح خطیب تبریزی، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۱۴.
- أبودلامه، زند بن جَوْن، *دیوان*، به کوشش امیل بدیع یعقوب، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۴.
- أبوالشیص خزاعی، ابوجعفر محمد بن عبدالله، *دیوان*، اردن: شركة التراث للبرمجیات، ۲۰۱۵.
- أبوالعتاهیه، ابواسحاق اسماعیل بن قاسم بن سويد بن کیسان، *دیوان*، بیروت: دار بیروت، ۱۴۰۶.

\_\_\_\_\_ نقدی بر تصحیح اشعار عربی تاریخنامه هرات سیفی هروی از غلامرضا طباطبایی مجد

أبوفراس حمدانی، دیوان، به کوشش عباس عبدالساتر، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۹.  
أبونواس، حسن بن هانی حکمی، دیوان، به تصحیح محمود افندی واصف، مصر، ۱۸۹۸.  
أبیوردی ابوالمظفر محمد بن احمد کوفی، دیوان، بیروت: مطبعة المعارف و المكتبة الانسیة، بی تا.

اسفزاری، معین بن محمد، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، چاپ محمد کاظم امام، تهران، ۱۳۳۹.

البحتری، أبوعباده ولید بن عبید، دیوان، شرح حسن کامل الصیرفی، مصر: دار المعارف بمصر، بی تا.

الbstی، أبوالفتح علی بن محمد، دیوان، بیروت: مطبعة جمعية الفنون، ۱۲۹۴ق.  
الثعالبی، أبو منصور عبد الملک، یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر، تحقیق الدكتور مفید محمد قمیحه، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۳.

جرفاذقانی، ناصح بن ظفر، ترجمه تاریخ یمینی، به تصحیح جعفر شعار، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۵۷ش.

امام علی(ع)، دیوان منسوب، به کوشش عبدالرحمن المصطاوی، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۲۶.

امام حسین(ع)، دیوان منسوب، با شرح محمد علی ابوالحسنی، بی جا: گل افشان، ۱۳۸۹ش.

دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، چ دوم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.

ذو الرمه، أبوالحارث غیلان بن عقبه، دیوان، به کوشش احمد حسن بسج، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵.

سیفی هروی، سیف بن محمد، تاریخ نامه هرات، به تصحیح محمد زبیر صدیقی، تهران، ۱۳۵۲ش.

\_\_\_\_\_، تاریخ نامه هرات، به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: اساطیر، ۱۳۸۳ش.

شافعی، أبو عبدالله محمد بن ادريس، دیوان، شرح عمر فاروق الصباع، بیروت: دار الارقم بن ابی الارق، بی تا.

الشریف الرضی، أبوالحسن محمد بن الحسین بن موسی، دیوان، شرح محمود مصطفی حلاوی، بیروت: دار الارقم بن ابی الارق، ۱۴۱۹.

صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، چ هفتم، تهران: فردوس، ۱۳۶۹ش.

کشاجم، محمود بن حسین رملی، دیوان، به کوشش محمد محفوظ، بغداد: مدیریة الثقافة

العامه، ۱۳۹۰ق.

المتنبی، ابوطیب أحمد بن الحسین، *دیوان*، با شرح عبدالرحمن البرقوقی، قاهره: مؤسسه  
هنداوی لتعلیم و الثقافه، ۲۰۱۲.

المعری، أبوالعلاء، *سقط الزند*، بیروت: دار صادر، ۱۳۷۶ق.